

از تناقض های ما...



علی ورامینی
دبیر گروه فرهنگ

تعطیلات کم اتفاقی بود. جای شکر دارد. بی خبری در روزگار ما خوش خبری است. این سال های اخیر همیشه روزهای ابتدایی سال همراه بود با اتفاقات ناخوشایندی در سطح ملی که خاطر همه ایرانیان را آزرده می کرد. خبر زیادی نبود ولی هول و وحشت بود. ترجیح بند همه میهمانی های خانوادگی و دوستانه این بود که جنگ می شود یا نمی شود؟ توافق می شود یا تنازع؟ جامعه انگار منتظر خبر اتفاق هولناکی است که هنوز نیفتاده. «جامعه در تعلیق» شاید وصف الحال مناسبی از امروز جامعه ایرانی باشد؛ جامعه ای که نمی تواند برای چند ماه آینده خود هم برنامه ریزی کند؛ جامعه ای که همه مردمانش هر آینه باید که قیمت طلا و دلار را چک کنند تا ببینند که با سفره خود چندان هستند. با همه این مصیبت ها نقد جامعه ایرانی منصفانه نیست؛ جامعه ای که زیر فشار همه اضطراب ها و دردها تاب می آورد، سبزه سبزی می کند و به امید امیدی به استقبال بهار می رود. استیصال مردم، جامعه ایرانی را به مثابه یک توده ای کرده است که مورد استفاده کسانی قرار گیرد که نه این توده برایشان اهمیتی دارد و نه به روزیشان. چه بسا بسیاری از آنان که در قامت مصلح اجتماعی و جریان خیر خواه ظاهر می شوند از این استیصال و تداوم این رنج منتفع می شوند. آفت این وضعیت هر روز بیشتر در جامعه ایرانی خود را نشان می دهد. دعوی حیدری و نعمتی که میان اقوام ایرانی این روزها شاهد هستیم بی ربط به این وضعیت نیست؛ وضعیتی که دیگری در آن جای ندارد. حتی بدتر از این هر روز غیرت سازی عمیق تر و گسترده تر می شود. شرایطی که به قول آن مرد نامحترم «هرکس با ما نیست علیه ما است» هر روز در ایران گسترده تر می شود. یکی از شکاف هایی که هر روز انگاری عمیق تر می شود، شکاف میان ملی گرایی و دینداری در جامعه ایرانیست؛ شکافی که در هر دو طیف افراد و جریان هایی هستند که از عمیق تر شدن این شکاف منتفع می شوند و از هر فرصتی برای بنزین ریختن روی این آتش استفاده می کنند. این در حالیست که برای قرن ها دو عنصر هویت ساز ایرانیان در کنار یکدیگر زیسته اند، همدیگر را متأثر کرده اند و از نقاط قوت یکدیگر برای بقای خود استفاده برده اند. دلایل اینکه چرا در سال ۱۴۰۴ مردمی شعار می دهند «ما آریایی هستیم، عرب نمی پرستیم» را همه می دانیم. بخش عمده آن واکنشی به وضعیت امروزی است و پیوندی که مردم میان بانیان این وضعیت با لایه هایی از دینداری می بینند و بخشی دیگر هم متأثر از رسانه هایی است که تصویری خیالی از تاریخ قبل از انقلاب به مردم نشان می دهند. نمی دانم چنین مردمان سخت گیری نسبت به دیگری، کسانی که جز زیست خود، خود نمی توانند دیگرگونه زیستن هایی که برای کسی ضرری ندارد، چقدر جامعه ایرانی را نمایندگی می کنند، ولی اگر بخش زیادی متأثر از این غیرت سازی شده باشند، تغییر رو به به روزی، کاری بس دور به نظر می رسد. چندسال است که مد شده سال نو را مردم در اماکن تاریخی و فرهنگی تحویل کنند. مقبره فردوسی، تخت جمشید و حافظیه و از این دست اماکن. این کار فی نفسه نه فقط ایرادی ندارد که توجه به هر بزرگی از سوی مردم مایه خرسندیدست. مایه اسف و نگرانی آنجاست که این مردم در بزرگداشت بزرگی چنان گفتار و کرداری از خود نشان می دهند که هیچ ربط و نسبتی با آن چیزی که مدعیان پاسداشت آن هستند ندارد بلکه کاملاً در تضاد با آن هم هست. ما همزمانی که شعار برتری نژاد خود می دهیم، چنان در جاده ها رانندگی می کنیم که انگار در جبهه جنگ هستیم و اگر فرار نکنیم هر لحظه ممکن است با موشکی نابود شویم. می خواهیم بر سر مزار حافظ که وعده کرده بود مقبره اش زیارتگه رندان جهان خواهد شد سال نو را با حس و حال فرهنگی تحویل کنیم، نرده های آن را برای ورود می کنیم، چنان وارد حافظیه می شویم که چند قدم آن طرف تر در شور و هیجان فوتبال وارد ورزشگاه می شویم. انگار هیچ تفاوتی ندارد. فقط اسیر روندها و مد روز شده ایم؛ مدی که رسانه ها برای مان ساختند و حرفی که آن ها در زبانمان گذاشتند. شاید در این اوضاع و احوال نقد مردم و جامعه دور از انصاف باشد که هست، ولی نمی توان جوادوز برداشت به عالم و آدم زد و به خود یک سوزن نه کرد. جهان پیرامونمان را اصلاح کرد.

۲۴ ساعت

۱۶

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لینتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



صعودی آسان، آینده ای مبهم

اگرچه تیم ملی به راحتی توانست به جام جهانی آمریکا برود ولی نگرانی هایی درباره کیفیت این تیم وجود دارد



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هممیهن

در سالی که گذشت، تمام اتفاقات خوبی که می توانست برای تیم ملی ایران رخ دهد به حقیقت پیوست. «صعود» بی دردمر تیم ملی به جام جهانی از آن دست موضوعاتی است که فوتبال ما تقریباً طی دو دهه اخیر به آن عادت کرده و این بار نیز ترک عادت نشد و به عنوان صدرنشین راهی پرچالش ترین جام جهانی ممکن شدیم. در این گزارش علاوه بر چالش های احتمالی پیش رو برای تیم ملی در راه جام جهانی، شایعات مطرح شده در خصوص نیمکت تیم ملی را نیز مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

صعود بی دردسر

تیم ملی ایران با مربیگری امیر قلعه نویی راهی جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا شد تا در مجموع، ایران هفتمین صعود خودش را به این رقابت های مهم جشن بگیرد. شاگردان امیر قلعه نویی در هشتمین دیدار خود از مرحله مقدماتی این رقابت ها، در ورزشگاه آزادی تهران برابر ازبکستان با نتیجه ۲-۲ متوقف شدند. با این حال فاصله ۱۰ امتیازی ایران با امارات، که در جایگاه سوم گروه قرار دارد، صعود تیم ملی را قطعی کرد. اماراتی ها در سه بازی باقی مانده نهایتاً می توانند ۹ امتیاز کسب کنند، اما این مقدار برای رسیدن به ایران کافی نیست. بدین ترتیب تیم ملی کشورمان پس از ژاپن و نیوزیلند به عنوان سومین تیم جواز حضور در شلوغ ترین و پرتعدادترین جام جهانی تاریخ را به دست آورد. ایران برای نخستین بار در سال ۱۹۷۸ موفق به حضور در جام جهانی شد. پس از آن تمام صعودها به بعد از انقلاب مربوط می شود. در سال های ۱۹۹۸، ۲۰۰۶، ۲۰۱۴، ۲۰۱۸، ۲۰۲۲ و ۲۰۲۶ نیز در این رقابت ها حاضر بود و اکنون با صعود به جام جهانی ۲۰۲۶، برای چهارمین دوره متوالی حضور در معتبرترین تورنمنت فوتبال جهان را تجربه خواهد کرد.

انتقادهایی که فروکش نکرد

اتفاق منحصر به فردی که می تواند در تیم ملی ایران با مربیگری قلعه نویی رخ دهد، صعود از دور گروهی برای نخستین بار است که پیش از این در شش دوره قبلی محقق نشده بود. البته نکته ای که وجود دارد این است که در ادوار گذشته نیز تعداد تیم های جام جهانی ۱۶ و بعد، ۳۲ تیم بود نه ۴۸ تیم. در واقع به دلیل افزایش تیم ها با پیشنهاد رئیس فیفا، تیم های متوسط و بعضاً ضعیفی که هیچ گاه شانس حضور در این رقابت ها را نداشتند مجوز حضور در جام جهانی را کسب می کنند و همین امر می تواند باعث شود تا ایران در سید دو یا سه قرار بگیرد و تیم هایی همگروه شاگردان قلعه نویی شوند که شانس پیروزی یوزهای ایرانی افزایش پیدا کند. در دور جدید این رقابت ها، ۴۸ تیم در ۱۲ گروه چهار تیمی تقسیم خواهند شد. از هر گروه، دو تیم نخست به همراه هشت تیم برتر سوم به مرحله یک شانزدهم نهایی صعود خواهند کرد. این تغییر در فرمت برگزاری مسابقات، شانس تیم هایی مانند ایران را برای رسیدن به مراحل حذفی افزایش می دهد. باتوجه به اینکه ایران در رده بندی فیفا همواره یکی از برترین تیم های آسیا بوده، هواداران فوتبال کشور امیدوارند که تیم ملی بتواند از این فرصت تاریخی استفاده کرده و عملکردی فراتر از دوره های گذشته داشته باشد. البته در کنار تمام احتمالات آتی، نغدهایی است که کارشناسان فوتبال به سبک بازی تیم ملی داشتند و به همین دلیل نسبت به آنچه قرار است در جام جهانی رخ دهد ابراز نگرانی کردند. تیم ملی در هیچ یک از ۸ مسابقه برگزار شده برتری مطلق نسبت به رقیب خود نداشت. رقبایی که برخلاف دوره های قبلی،

چندان هم قدرتمند نبودند. هر چند مقصر گروه نه چندان چالش برانگیز ایران، شخص قلعه نویی نیست اما انتظار می رفت مقابل قرقیزستان، ازبکستان و سایر رقبای چالش عجیب و غریبی نداشته باشیم و به مشکل برنخوریم. صعود ایران به جام جهانی هم باعث نشد انتقادهای فروکش کند اما از طرفی قلعه نویی و دستیارانش با اتکا به آمار می توانند صعود بی دردسر را همچنان به عنوان یک دستاورد بزرگ قلمداد کنند.

نقش پررنگ طارمی

در مسابقه تیم ملی ایران مقابل ازبکستان که با دو گل زیبای مهدی طارمی همراه شد، یکی از رسانه ها تصویری را شکار کرد که با استفاده از حرکات بدن مهدی طارمی می توان اینطور برداشت کرد که او در حال پیشنهاد فنی است تا علی علیپور که روی نیمکت نشسته، به پشت دروازه ازبکستان بیاید و گرم کند. بعد از این اتفاق، علیپور خیلی زود وارد زمین شد تا برخی رسانه ها از قدرت مهدی طارمی در تیم ملی پرده برداری کنند. البته این موضوع توسط شخص علی علیپور تکذیب شد و تذکر طارمی به اعضای کادر فنی را تکذیب کرد. اگر به گذشته نه چندان دور برگردیم مهدی طارمی، علیرضا جهانبخش و یکی، دو بازیکن دیگر در تیم ملی با برگزاری جلسات غیرفوتبالی با مسئولان دولت وقت، خواستار برکناری درگان اسکوپچیچ از هدایت تیم ملی ایران شدند. به همین دلیل است که در حال حاضر چنین سناریویی را از سوی طارمی محتمل می دانند. اگر به مصاحبه اخیر طارمی نیز دقت کنیم این موضوع چندان دور از دسترس و تصور نیست. طارمی در جدیدترین مصاحبه خود بسیار بی پروا اعلام کرد که وقتی روی نیمکت قرار گرفته، تازه متوجه به عنوانی شده و به این موضوع پی برده که برخی اعضای کادر فنی تجربه حضور در رقابت های بزرگ و مهم جام جهانی را ندارند. طارمی علناً در این مصاحبه اعلام کرد که با حضور این افراد تیم ملی در این رقابت ها به مشکل خواهد خورد.

قلعه نویی یا...؟

یکی از شایعاتی که احتمالاً در آستانه جام جهانی نیز ادامه خواهد داشت بحث ادامه یا قطع همکاری با امیر قلعه نویی از سوی فدراسیون فوتبال تا جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا است. هر چند مهدی تاج به صراحت اعلام کرد، قلعه نویی تا پایان جام جهانی روی نیمکت تیم ملی قرار دارد اما باتوجه به اتفاقاتی که پیش تر از سوی بازیکنان فعلی تیم ملی رخ داده، بعید نیست رئیس فدراسیون با زهم دست به تغییر سر مربی بزند. البته یکی از نکاتی که باید توجه کرد این است که مهدی تاج علاقه زیادی به این موضوع دارد که در جام جهانی آمریکا، حتماً یک مربی ایرانی در رأس کار قرار گیرد. به همین دلیل است که برخی شایعات حاکی از آن است که یک مربی جوان آینده دار شاید در جام جهانی روی نیمکت تیم ملی حضور داشته باشد؛ کسی مثل جیمی گل محمدی یا جواد نکونام. البته که این موضوع تا این لحظه از سوی فدراسیون فوتبال تایید نشده است. اینکه در اکثر گزارش ها می گویند «جام جهانی آمریکا» و توجهی به میزبانی کانادا یا مکزیک نمی شود دقیقاً محل بحث است، چون اکثر مسابقات در کشور آمریکا برگزار می شود و دقیقاً همین کشور است که می تواند برای بازیکنان ایرانی چالش درست کند. هر چند رئیس فدراسیون فوتبال آمریکا حضور برای صدور ویزای بازیکنان و لیبال ایران در این کشور، دردسر درست کرده است. در واقع این کشور است که سیاست را درگیر ورزش کرده و شعار مهم و اصلی فیفا را زیر پا گذاشته و نقض کرده است. باید دید آیا فدراسیون فوتبال به فکر تقویت کادر فنی با حضور قلعه نویی خواهد افتاد یا به کل نفرت اصلی را تغییر می دهد؛ این موضوعی است که به زودی مشخص و روشن خواهد شد.

چهره

نقاش پر کشید

پروانه اعتمادی، نقاش برجسته ایرانی که پنجم اسفندماه ۱۳۲۶ در تهران زاده شده بود، در نخستین روز فروردین ماه ۱۴۰۴ درگذشت. او که یگانه شاگرد مستقیم بهمن محمص بود، مدتی در دانشکده هنرهای زیبای تهران درس خواند، اما تحصیل را نیمه کاره رها کرد و همانطور که بعدتر نیز در مستندی گفت، به این نتیجه رسید که برای نقاش خوب شدن باید بیشتر از درس خواندن، نقاشی کشید. اعتمادی با نقاشی های طبیعت بیجان و به طور اخص نقاشی های سیمانی در دهه ۱۳۵۰ به شهرت رسید. اولین نمایشگاه او در سال ۱۳۴۸ برگزار شد و در دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ آثاری متفاوت با تکنیک مادرنگی آفرید. منتقدان هنر از چهار دوره کاری با تکنیک های رنگ روغن و سیمان، پاستل، مداد رنگی و کلاژ در آثار او سخن گفته اند و برخی چون طرلان رفیعی معتقدند: «آثار پورا اعتمادی سرشار از برخورد اوبسا دنیایی پیرامونش بوده و ماهیتی خودزندگینامه ای دارند. کارهای سیمانی او، که شامل برهنه ها و طبیعت بی جان هایی هستند که روی پنل های سیمانی ترسیم شده اند، چشم اندازی عمیقاً رانه را به نمایش می گذارند که با جریان مردسالارانه هنر پیش از انقلاب ایران در تضاد بود.»



کتابخانه

از بحرانی ترین لحظات جنگ جهانی دوم

رمان «تعطیلات دانکرک» نوشته روبر مرل، با ترجمه محمدعلی صادقی در ۲۵۲ صفحه و با قیمت ۳۲۰ هزار تومان منتشر شد. «تعطیلات دانکرک» تصویری تکان دهنده از یکی از بحرانی ترین لحظات جنگ جهانی دوم؛ تخلیه دانکرک در سال ۱۹۴۰ است. مرل که خود جنگ جهانی دوم را نزدیک تجربه کرده است، در این اثر فضایی ملموس و تلخ از هرج و مرج و بی رحمی جنگ به تصویر می کشد. «تعطیلات دانکرک»، نه تنها وحشت بی پایان جنگ، بلکه مبارزات شخصی سربازان و غیرنظامیان را در فضایی از سردرگمی و معضلات اخلاقی به نمایش می گذارد. برخلاف رمان های حماسی جنگ که بر یک قهرمان تمرکز دارند، مرل دیدگاهی تاریک و درون نگراانه ارائه می دهد و به بررسی بیهودگی، قدرت اراده فردی و شکنندگی تاب آوری انسان می پردازد. داستان رمان «تعطیلات دانکرک» حول محور جولین میلات، سرباز فرانسوی ای می چرخد که در میانه هرج و مرج تخلیه دانکرک گرفتار شده است؛ جایی که نیروهای آلمانی برتری خود را تحمیل می کنند. مرل در این رمان این سوال را مطرح می کند که چگونه انسانیت در زمانی که تنها بقا اهمیت دارد، حفظ می شود.



تعطیلات دانکرک

نویسنده:

روبر مرل

مترجم:

محمدعلی صادقی

انتشارات: چشمه

تاریخ

مرگ محمدعلی شاه قاجار

مظفرالدین شاه قاجار، آخرین پادشاهی بود که در ایران درگذشت. بعد از او چهار پادشاه بعدی از دو سلسله قاجار و پهلوی، همگی در غربت درگذشتند. نخستین آنها محمدعلی شاه قاجار بود؛ فرزند مظفرالدین شاه، در آغاز سوگند یاد کرد که با مشروطه همراه شود اما در عمل چنین نکرد و با امر به، به توپ بستن مجلس مخالفتش را با مشروطه عیان کرد. وقتی اما با مقاومت مشروطه خواهان مواجه شد، اقبال از او برگشت. پس از دو سال و هفت ماه سلطنت، تهران فتح شد و محمدعلی به همراه ۵۰۰ نفر از نزدیکانش به سفارت روسیه پناهنده شد. با این همه پس از بازگشتی دوباره مجلس، نمایندگان با اجماع قاطع، همه اختیارات، عناوین و اعتبارش را گرفتند. او از ایران به بندر اودسای اوکراین گریخت و پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سر از سن مو در ایتالیا درآورد. آنجا در اثر دیابت حاد و نارسیایی کلیه، در ۱۶ فروردین ۱۳۰۴ و در ۵۲ سالگی درگذشت. پیکرش را اما از یکی از بنادر ایتالیا، با کشتی به عراق و با اتومبیل به کربلا منتقل کردند و به خاک سپردند.

انالله وانا الیه راجعون

جناب آقای مسعود شاه حسینی

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و برای شما و باقی بازماندگان آرزوی صبر داریم

همکاران شما در روزنامه هممیهن